

- ۶ تصویر برفکی از ارزش بانوان
- ۱۰ عدالت، عنصر نام آشنای فطرت
- ۱۷ نگاهی کوتاه بر اقتصاد اسلامی



گام تمدنی انقلاب اسلامی نیازمند مشارکت مسئولان و موثر جوانان



ابوالحسن حسین زاده
دکترای سیاست گذاری فرهنگی
پژوهشگر و مدرس دانشگاه فردوسی مشهد

شده است، این نوع نگاه را تایید می‌کند. همان طور که انسان دارای دوران تولد، نوجوانی، جوانی، میانسالی، کهنسالی و مرگ است، جوامع و تمدن‌ها نیز خلق می‌شوند، رشد می‌یابند، اوج می‌گیرند و در نهایت به انحطاط و زوال گراییده و مرگ آن‌ها فرا می‌رسد. جوامع، مکاتب و دولت‌های زیادی در طول تاریخ طولانی بشریت آمده و رفته‌اند اما دولت‌های معدودی ماندگار شده و نام، اندیشه‌ها و آثارشان همچنان مورد توجه نخبگان و ملت‌ها قرار دارد و آن تنها

نیست؛ لیکن بدون تردید نقش جوانان در همه مراحل تمدنی جوامع، نقشی قابل توجه و ضرورتی انکارناپذیر است. مطالعه‌ی تاریخ اسلام در دوران تاسیس، نضج و شکوفایی، نشان می‌دهد یکی از عوامل موثر پیشبرد اسلام حضور فعال جوانان در عرصه‌های مختلف بوده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: «شما را به نیکی درباره‌ی جوانان سفارش می‌کنم زیرا آنان قلب نرم‌تری دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را نوید و انذار دهم؛ پس جوانان با من پیمان بستند ولی پیران با من مخالفت کردند»، در واقع جوانان حامیان اصلی پیامبر آخر الزمان و کانون اصلی پیش برنده‌ی استقرار، تثبیت، ترویج و گسترش اسلام محسوب می‌شوند. اولین بیعت کنندگان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نوجوان یا جوان بودند. برای مثال می‌توان از علی ابن ابی طالب و زید ابن حارثه نام برد. اولین سفیران پیامبر برای دعوت ملت‌های دیگر به اسلام، جعفر ابن ابی طالب ۲۶ ساله، مصعب بن عمیر ۳۰ ساله که اقدام هوشمندانه و مدیریت وی زمینه هجرت پیامبر به مدینه و تاسیس حکومت اسلامی را فراهم کرد و نیز اولین مبلغان دین اسلام عبدالله ابن مسعود ۲۰ ساله و معاذ بن جبل ۲۶ ساله که همگی منشا خدمات موثری در تاریخ اسلام محسوب می‌شوند. بودند. علی ابن ابی طالب در ۲۳ سالگی به عنوان خلیفه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی گردید که تعصبات قبیله‌گرایانه و جوان‌ستیزانه منجر به انحراف اسلام از مسیر اصلی گردید.

تاریخ اسلام و ایران در ادوار درخشان خود نیز از این نیروی جوانی بهره برده است. افرادی چون خاندان بنوموسی که اختراعات ارزشمندی در حوزه‌های مختلف علمی داشتند، حنین بن اسحاق و پسرش اسحاق بن حنین که نقش برجسته‌ای در نهضت ترجمه در دوره‌ی بنی‌العباس ایفا کردند. خاندان نوبختی و برمکیان که با روحیه‌ی جوانی منشا خدمات ارزشمندی در تمدن اسلام و ایران شدند.

قطار تمدن ایران و اسلام در تاریخ پرفراز و نشیب خود در نهایت به ایستگاه انقلاب اسلامی رسید. ایستگاهی که نه به معنای ایستادن و توقف، بلکه بر مبنای ایستادگی در برابر ظلم و موجودیتش بر مبنای تحول شتاب‌زا شکل گرفت. انقلابی که برخلاف جریان حاکم بر دنیا که سکولار



برخی از جامعه‌شناسان و فیلسوفان، جوامع و دولت‌ها را به مثابه یک ارگانیزم تلقی کرده‌اند. قرآن کریم نیز با تأکید بر اینکه برای هر امتی اجل و عمری مقرر شده‌اند. عوام‌دینی و عینی‌متعددی برای ایجاد و بقای تمدن‌ها مطرح شده است که در این مجال کوتاه فرصت پرداختن به آن



یا لائیک است، مدعی حکمرانی دینی و مبتنی بر عقلانیت، انسانیت و معنویت است. انقلاب اسلامی در تمام مراحل شکل‌گیری خود با پیشگامی جوانان تحصیل‌کرده، فداکار و آرمان‌گرا پیش رفته است. گام اول انقلاب، گام نظام‌سازی و دولت‌سازی است. تجربه‌ی چهار ساله‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد هرگاه جوانان داترمدار فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها قرار گرفته‌اند، حرکت‌های موثر و موفق‌تری شکل گرفته و تحولات شگرفی به وقوع پیوسته است. جوانان با روحیه‌ی انقلابی و رویکرد جهادی و شجاعت‌تحمیل برانگیز در برابر توطئه‌های بدخواهان ایران و اسلام ایستادند و تهدیدها را تبدیل به فرصت نمودند. توفیق‌های به دست آمده در عرصه‌های مختلف نظامی و دفاع از وطن و عمق راهبردی کشور در منطقه و عرصه‌های علمی و فناوری، دارو و سلامت و استقلال سیاسی و خودکفایی در برخی عرصه‌ها مرهون نقش آفرینی جوانان است. گام اول چهار ساله‌ی انقلاب اسلامی گامی سخت بود که توسط جوانان برداشته شد. البته آن جایی که نقش جوانان کم‌رنگ شد و جوان‌عاملیت موثر خود را ایفا نکرد، کشور ایران متحمل خسارت‌های

شکنده گردید که عملکرد برخی از دولت‌ها در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی بیانگر این چالش جدی است. سوال‌های زیادی است که باید برخی از مسئولین جمهوری اسلامی پاسخگو باشند:

۱. چرا باید فضا را برای نقش آفرینی جوانان خلاق و پرامید فراهم نکنند تا انگیزه‌ی ساختن جامعه با شتابی فزاینده به شکل‌گیری تمدن ایران و اسلام بیانجامد؟
۲. چرا باید کارگزاران حکومتی با روحیه‌ی محافظه‌کاری، رخوت و سستی، فرصت‌های رشد و پیشرفت را بسوزانند و نسل جوان را سرخورده نمایند؟

چهار ساله‌ی دوم دولت‌ها دوره‌ی رشد و شکوفایی و اوج آن است که می‌تواند با مدیریت صحیح منجر به گام تمدنی و ماندگاری آن تمدن در تاریخ گردد. گام دوم به مراتب سخت‌تر و پیچیده‌تر از گام نخستین است. گام تمدنی انقلاب اسلامی نیازمند درک و فهم صحیح وضعیت داخلی و خارجی، افزایش توانمندی‌ها، گسترش نشاط و شادابی در جامعه، فعال‌سازی انرژی‌های متراکم، شکوفایی استعدادها، حرکت امیدآفرین، انگیزه‌بخشی فزاینده، خلاقیت، شجاعت فکری و عملی، ارتباطات

صحیح و هدفمند، عدالت خواهی، مقاومت در برابر مشکلات و چالش‌ها، استفاده مدبرانه از منابع مادی و معنوی، حقیقت‌جویی و حق‌طلبی، خستگی‌ناپذیری و ایستادگی در مسیر، گره‌گشایی و پیشروی در همه‌ی عرصه‌های جامعه است؛ همه‌ی این فناوری‌ها و اتفاقات به وسیله‌ی جوانان بهتر، آسان‌تر و کامل‌تر محقق می‌شود تا غیرجوانان!

محرومیت از جوانان یعنی محرومیت از همه‌ی نیروهای مثبت تحول‌زا و خلاق! محرومیت از جوانان یعنی سد کردن راه تمدن‌سازی! محرومیت از جوانان یعنی بازگشت به عقب و درجا زدن! محرومیت از جوانان یعنی انفعال، فرسودگی و خمودگی! محرومیت از جوانان یعنی محافظه‌کاری تهوع‌آور و رضایت به وضع موجود! محرومیت از جوانان یعنی ناامیدی و بی‌تفاوتی!

در گام دوم و نقش‌آفرینی‌های جوانان، مخاطرات و چالش‌های جدی وجود دارد و جوانان رسالتی پیامبرگونه دارند که بایستی آن را به خوبی ایفا نمایند و وظایفی سنگین و مسئولیتی خطیر بر دوش ایشان است که در مجال دیگر به آن خواهیم پرداخت.

تصویر بر فکلی از ارزش بانوان

طاهره سادات بهره مند

کارشناسی فقه و حقوق_ ورودی ۹۷



هر انقلابی سرآغاز تغییراتی بنیادین در سرفصل‌های جامعه‌ی کشور منقلب شده است و ما نیز انقلاب اسلامی کشور خود را نقطه عطفی در سبک زندگی خود می‌دانیم. ما معتقدیم که انقلاب اسلامی باعث شده است تغییرات بسیاری در مسائل مختلف جامعه‌ی ایرانی به وجود آید که یکی از مهم‌ترین این مسائل، تغییرات در وضعیت زنان است و نیز بر این مساله اعتقاد داریم عزتی که در حکومت شاهنشاهی دست مایه‌ی هوس‌رانی عده‌ای شده بود، به زن باز گردانده شده است و حضرت امام خمینی هم در صحیفه نور بر این مساله اذعان کرده و می‌فرمایند: «زن در دو مرحله مظلوم بوده است؛ یکی در دوران جاهلیت و اسلام منت گذاشت بر انسان و زن را از آن مظلومیتی که داشت بیرون کشید. مورد دیگر در ایران ما، زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق و شاه لاحق بود. با اسم این که زن را می‌خواهند آزاد کنند، ظلم‌ها کردند به زن، زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند، زن را از آن مقام معنویت که داشت، شیء کردند و به اسم آزادی، آزاد زنان و آزاد مردان، آزادی را از زن و مرد سلب کردند و زن‌ها را و جوانان ما را فاسدالاخلاق کردند...»

یکی از مسائل مورد بحث در خصوص نقش زنان در جامعه و نیز وضعیت فعالیت‌های اجتماعی زنان، حضور ایشان در رسانه‌ها است و ما معتقدیم توانسته‌ایم زنانی را که بازیچه صاحبان قدرت و ثروت بوده‌اند به کرامت برسانیم و تلاش کرده‌ایم این باور را در جامعه به وجود آوریم که زن تنها در زیبایی‌های ظاهری خلاصه نمی‌شود و زنانی که دارای افکار متعالی هستند، در جایگاه‌های رفیع‌تری قرار می‌گیرند. برای ممنوعیت نگاه‌های ابزاری به زن در همان سال‌های اولیه‌ی انقلاب قوانینی در خصوص حضور زنان در تبلیغات بازرگانی تصویب شده است

که در یکی از این قوانین مقرر می‌دارد: «زن در نظام مقدس اسلامی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و قوانین و احکام مقدس اسلام برای زن جایگاه رفیعی قائل است، لذا استفاده از حضور خانم‌ها در آگهی‌های رادیو تلویزیونی مستلزم اعمال دقت‌های خاصی می‌باشد و باید جایگاه زن مسلمان و شئون او مدنظر باشد.»

در پژوهش‌های متعددی که در خصوص جایگاه زنان در آگهی‌های بازرگانی قبل انقلاب صورت گرفته، اعلام شده است که ایشان پررنگ‌ترین حضور را در این بخش از رسانه داشته‌اند. در آن‌ها شاهد زنان با آرایشی زنده، لباس‌های نامناسب و ژست‌های گاه‌ا اروتیک هستیم. این نوع از تصاویر مورد تقییح انقلاب اسلامی قرار گرفته است. اما حال که به وضعیت رسانه‌های کشور نگاهی می‌اندازیم تنها تفاوت وضعیت فعلی با آن زمان، حد پوشش زنان است و تغییرات بخصوص دیگری در این تبلیغات شاهد نیستیم. زنانی با لباس‌های لحن گفتار نامناسب، در خصوص رسانه و نیز تبلیغات تلویزیونی و پیام‌های بازرگانی همه‌ی صاحب‌نظران معتقدند که تاثیرات



این‌ها غیرقابل چشم‌پوشی هستند و بدون شک این ابزار در ساختن سبک زندگی بسیار موثرند و نیز به رفتار افراد جامعه جهت می‌دهند. جامعه‌ای که چادر را به عنوان حجاب کامل یک ارزش می‌داند اما در تبلیغات تلویزیونی‌اش حتی یک زن چادری هم دیده نمی‌شود. در همین خصوص لازم است اشاره ای به آثار تصویری مانند فیلم و سریال‌هایی کرد که در آن زنان چادری به عنوان افراد نیازمند و فقیر معرفی می‌شوند و افراد متمول و حتی فرهیخته جامعه زنانی هستند که حد کم‌تری از حجاب را به عنوان پوشش برگزیده‌اند. رسانه‌ای که قرار بود در خدمت اعتقادات والای انسانی قرار بگیرد و از وضعیت نامناسب پیشین خود فاصله بگیرد، حال باعث شده است ارزش‌های بنیادین جامعه‌ی انقلابی اسلامی به گوشه‌ای افکنده شوند و زنان ارزش را در ویژگی‌های ظاهری ببینند. تاثیرات آن را در درصد قابل توجه خرید لوازم آرایشی و نیز انجام عمل‌های زیبایی می‌توان دید. ما بر آن بودیم کرامت را به زن بازگردانیم و او را از ابزار بودن نجات دهیم اما حال شاهد پیام‌های بازرگانی‌ای هستیم که چه بسا از دوران قبل انقلاب هم متعفن‌تر باشند. تبلیغات تیر آهن توسط یک زن آیا چیزی جز استفاده ابزاری از وی است؟

در نهایت استفاده‌ی ابزاری از زنان در تبلیغات بازرگانی نشان‌دهنده‌ی این مساله است که آن جامعه، جامعه‌ای است که رسیدن به ثروت در آن ملاک بوده و برای رسیدن به این مهم، تمام آرمان‌ها را زیر پا می‌گذارد. با کمال تاسف باید اعلام کنیم ثروت محور اصلی سیاست‌های فعلی رسانه‌های ایران شده است و تنها منافع اقتصادی در آن‌ها اهمیت دارد.

در نتیجه زن از مقام انسانی خود نزول کرده و به کالایی تبدیل می‌شود که مطمع نظر سودجویان است و بر اساس نظر کارشناسان این پدیده در نهایت منجر به افزایش خشونت علیه زنان خواهد شد و زمینه بسیاری از تعرضات روانی و جسمی را ایجاد خواهد کرد. در نهایت این‌که مسئولین رسانه، با گذر از خط قرمزها باعث شدند آرمان‌های اصلی امامین انقلاب و اصل انقلاب به کنار گذاشته شوند و باید بدانیم بین آنچه که باید باشد و آنچه که هست تفاوتی فاحش برقرار است و لازم است بعد از چهل سال بازرنگری ای در رفتار خود برای تطابق با قوانین داشته باشیم.

رضا حسین پور

کارشناسی حقوق_ ورودی ۹۷

دانشگاه حکیم سبزواری



ای سیدی که جان دو عالم فدای تو است دل‌ها اسیر خنده‌ی مشکل گشای تو است

با اینکه دوری از من و در جای دیگری اما بدان درون دل تنگ جای تو است

این دل فقط به عشق تو آرام می‌شود آقای من بگو چه کنم مبتلای تو است

این زندگی بدون تو مرگ است ای عزیز گر صد هزار بار بمیرم برای تو است

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آن کیمیای‌شان همه از خاک پای تو است

ما زنده‌ایم سید علی با ولایت دنیا و دین ما همه وصل ولای تو است

عشقی که عاشقان همه دیوانه‌اش شدند این عشق یک شکوفه ز برگ و نوای تو است

قلبم شبیه مرغک سر کنده دائمی در جستجوی چشم خوش دلربای تو است

کفر است شعر اگر نسرایم برای تو واجب بر اهل مشرق و مغرب ثنای تو است

ایران ما که تا به ابد هست جاودان همواره زیر سایه‌ی همچون همای تو است

دشمن که خوار گشته و افتاده از نفس از یمن همت و قدم پارسای تو است

مستیم مست بوی دل انگیز چفیه‌ات درمان قلب غم‌زده خاک عبا‌ی تو است

بعد از ظهور حضرت عصر آرزوی ما یک آرزو است سیدی آن هم لقای تو است

روزی که ذره ذره شود استخوان من آقا هنوز در دل تنگم هوای تو است

اشعار من به وصف مقامت نمی‌رسد آقای من غزل نه، قصیده گدای تو است



آیا حکم اعدام سلفه‌ها را رشدی فقط بر مبنای ارتداد بود؟

سعید علمی



دکتری فقه و حقوق - ورودی ۹۸

بر اساس ضوابط و قواعد عقلی، فقهی و حقوقی صورت گرفته است.

در مورد سلمان رشدی دو اتهام به عنوان اتهامات عمده وی مطرح شده است:

اول؛ ارتداد و دوم؛ ساب‌النبی صلی الله علیه و آله

این اتهامات مورد قبول و استقبال قاطبه‌ی علمای اسلام و ملت‌های مسلمان قرار گرفت.

این استقبال بدین جهت بود که عمده‌ترین دلیلی که امام خمینی رحمه الله علیه بر اساس آن به صدور حکم اعدام سلمان رشدی اقدام نمودند، موضوع ساب‌النبی صلی الله علیه و آله بود و نه صرف ارتداد؛ لذا حتی اگر در مورد حکم مرتد، اختلافاتی بوده و نیاز به دادگاه در اکثر موارد

دیر زمانی از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نگذشته بود که کتاب آیات شیطانی توسط سلمان رشدی، یک نویسنده‌ی مسلمان هندی‌الاصل دارای تابعیت انگلستان، انباشته از توهین و افترا و اهانت به مقدسات اسلامی منتشر شد و تبلیغات فراوانی در خصوص آن صورت گرفت. امام خمینی رحمه الله علیه فتوای تاریخی خود را درباره‌ی ارتداد سلمان رشدی اعلام کردند و علی‌رغم اینکه غرب در برابر این حکم ایستادگی نمود، لیکن ملت‌های اسلامی و بسیاری از دولت‌ها در همان اوان، به نوعی از این حکم حمایت نمودند.

کتاب رشدی، برداشتی

تحقیرآمیز و موهن از رویدادهای اصیل تاریخ اسلام است که با ظهور پیامبر آغاز شد و تا عصر امام خمینی رحمه الله علیه ادامه می‌یابد. کتاب رشدی برای غیر مسلمانان به مثابه کنار یکدیگر چیدن

رویدادهایی است که در ادوار گوناگون رخ داده و مفهوم این رویدادها برای‌شان روشن نیست و آنان را دچار سرگشتگی می‌سازد. این در حالی است آن مسلمانانی که به تاریخ اسلام آشنایی دارد یکایک صحنه‌های کتاب را به عنوان تجاوزی بزرگ به حریم ارزش‌های مقدس خویش می‌داند.

صدور فتوای قتل سلمان رشدی از سوی امام خمینی رحمه الله علیه بر اساس مبانی فقهی و دینی صورت گرفته و اساساً صدور این فتوا با احکام دین اسلام و مبانی آن سازگار می‌باشد.

باید توجه داشت کشتن فردی که امنیت شهروندان را به خطر انداخته و تحت عنوان محارب و یا مفسد فی‌الارض در فقه از آن یاد شده، ایرادی ندارد زیرا

سروده بودند و برخی نیز مطالبی را به پیامبر نسبت می‌دادند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز با این که پیروزی مکه را با رحمت و محبت همراه کرد و آن روز را روز مرحمت نامید و مقرر کرد که هر کس وارد مسجد شود در امان است و هر کس به خانه ابوسفیان رود و یا در خانه خود بماند و در برابر روی خویش بنهد، ایمن خواهد بود. اما استثنایی نیز بر این قاعده‌ی رحمت قائل شده و عده‌ای را به نام مشخص نمود و فرمود: «این افراد را هر جا یافتید، بکشید گر چه به پرده کعبه چنگ زده باشند».

بنابراین حکم اعدام ساب‌النبی صلی الله علیه و آله بدون نیاز به دادگاهی خاص مورد اتفاق علمای شیعه و سنی بوده و امام خمینی رحمه الله علیه نیز در این زمینه با توجه به مسئولیت دینی خود و با استناد به شریعت اسلامی اقدام به صدور فتوای قتل سلمان رشدی نمودند.

لازم به ذکر است که امام خمینی رحمه الله علیه عمیقاً به اصل آزادی بیان و رد آزادی اهانت معتقد و پایبند بودند و بر آزادی ابراز عقیده و بیان، تأکید می‌کردند.



ایشان در مصاحبه‌ای با اورینا فالاجی که اندکی پیش از انقلاب انجام شده بود، چنین عنوان می‌کنند: «مردم عقیده‌شان آزاد است. کسی الزام‌شان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنید».

به نظر می‌رسد که در اندیشه‌ی امام خمینی رحمه الله علیه آزادی در حیطه‌های مختلف مانند عقیده، بیان، مطبوعات و... اصل قرار داده شده و سپس بر این آزادی محدودیت‌هایی اقامه شده است. ذکر این نکته ضروری است که چه در اندیشه‌ی اندیشه‌ورزان در باب آزادی و چه در قوانین مدون، آزادی مطلق و صرف و رها معنی ندارد؛ همچنان که استاد مطهری عنوان می‌کند: «آزادی فکر را با آزادی اغفال، آزادی مناقق‌گری، آزادی توطئه نباید اشتباه کنیم».

آزادی در اسلام نیز دارای چهارچوبی است؛ امام خمینی رحمه الله علیه در باب یکی از محدودیت‌های آزادی عنوان می‌کنند: «هر کس آزاد است که اظهار عقیده کند و برای توطئه کردن آزاد نیست».

از محدودیت‌های دیگر آزادی از دیدگاه امام رحمه الله علیه طرح آن در چهارچوب قوانین اسلام است. ایشان در این باره اظهار می‌دارند: «پس آزادی معنایش این نیست که مردم آزادند که هر کاری می‌خواهند، بکنند؛ آزادی در حدود قانون باید باشد. قوانین اسلام را باید ملاحظه کرد؛ در چهارچوب قوانین اسلام، در چهارچوب قانون اساسی، بیان آزاد و بحث آزاد».

جان کلام امام خمینی رحمه الله علیه در این نکته نهفته

است که اسلام همان‌گونه که بر اصل آزادی تأکید کرده، خود نیز قیدهایی برای آن تعیین نموده است و قانون اساسی ما نیز که منبعث از اسلام می‌باشد بر اساس آن تمهیداتی برای آزادی قائل



پارادایم، اسلام و تحقق آن محور و مدار قرار می‌گیرد؛ چرا که تحقق آن سبب کمال و ترقی انسان‌ها در راه رسیدن به سعادت حقیقی می‌شود. لذا برای حفظ اسلام و ترقی و تعالی آن باید از همه چیز گذشت. امام خمینی رحمه الله علیه در این باره می‌فرمایند: «این یک فریضه است بر همه‌ی ما، از اهم فرایض است حفظ اسلام؛ یعنی، حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر است؛ اساس اسلام اول است، دنبال او اساس احکام اسلام است و بر همه‌ی ما، بر همه‌ی شما به مقداری که قدرت داشته باشیم، به مقداری که توانایی داشته باشیم واجب است که جدیت کنیم».

دیگر حاکم بر سیره عملی امام خمینی رحمه الله علیه در این باب، اعتقاد ایشان به محوریّت اسلام در تمام زمینه‌هاست.

همچنان که گفتیم، امام خمینی رحمه الله علیه سیاست را در پارادایم هدایت مطرح می‌کردند و در این پارادایم، منافع ملی به معنای غربی آن نیست که مدار همه چیز قرار می‌گیرد؛ بلکه در این

حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر است؛ اساس اسلام اول است، دنبال او اساس احکام اسلام است



پارادایم، اسلام و تحقق آن محور و مدار قرار می‌گیرد؛ چرا که تحقق آن سبب کمال و ترقی انسان‌ها در راه رسیدن به سعادت حقیقی می‌شود. لذا برای حفظ اسلام و ترقی و تعالی آن باید از همه چیز گذشت. امام خمینی رحمه الله علیه در این باره می‌فرمایند: «این یک فریضه است بر همه‌ی ما، از اهم فرایض است حفظ اسلام؛ یعنی، حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر است؛ اساس اسلام اول است، دنبال او اساس احکام اسلام است و بر همه‌ی ما، بر همه‌ی شما به مقداری که قدرت داشته باشیم، به مقداری که توانایی داشته باشیم واجب است که جدیت کنیم».

در سیاست و پارادایم هدایت، سیاست انبیا و ائمه‌ی اطهار و اولیا و علما در یک راستا قرار دارند و هر سه به دنبال یک

تربیت جریانی ناخودآگاه، بهم پیوسته و بی پایان

مهدی اهرن رمضانی
کارشناسی علوم تربیتی -
ورودی ۹۵



یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان، تربیت پذیری است که از آغاز پیدایش شروع شده و تا انتهای آن، ادامه خواهد داشت.

لازمه‌ی زیر ساخت‌های جوامع جریان‌های تربیتی می‌باشند که جامعه به وسیله‌ی آن‌ها بتواند رویکردهای فرهنگی، اخلاقی، معنوی، سیاسی و... را از نسلی به نسل دیگر انتقال بدهد و این انتقال مفاهیم و رویکردهای مورد تایید جوامع همیشه به صورت آگاهانه و هوشمندانه انجام نمی‌گیرد؛ بلکه وقتی آن مفاهیم در رفتار یک نسل نهادینه شود آن نسل برای تربیت نسل بعد و آیندگان از همان اسلوب و روش‌ها به صورت ناخودآگاه هم بهره می‌برد. در واقع صحبت از تأثیر تربیت ناخودآگاه بر شخصیت آدمی همان تربیت غیر عمدی می‌باشد؛ چرا که تربیت به دو صورت عمدی و غیر عمدی است. در تربیت عمدی فرد یا افراد تربیت کننده شیوه‌ی خاصی از تربیت را دربارهی فردی اعمال می‌کنند. به عنوان مثال اوج آموزه های قرآن در این زمینه در آیات ۱۶ تا ۱۹

سوره لقمان که خداوند متعال

محورهای تربیتی را به صورت مستقیم از زبان لقمان به فرزندش بیان کرده است، این چنین است: «ای پسرک من! اگر [عمل تو] هم وزن دانه خردلی و در دل سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد خدا آن را می‌آورد که خدا بس دقیق و آگاه است. ای پسرک من! نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است و از روی بی‌اعتنایی از مردم رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند را دوست نمی‌دارد و در راه رفتن خود میانه‌رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازه بانگ خران است. بعد غیر عمدی تربیت به این معنی است که تربیت بدون اراده، طرح و برنامه‌ی قبلی صورت می‌گیرد؛ یعنی کودک رفتار بزرگترها، دوستان، آشنایان و غیره را می‌بیند و از آن‌ها تقلید می‌کند. ساختارهای بیرونی و موقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و عادت‌واره، های شکل گرفته در ذهن انسان‌ها، حاصل میدان اجتماعی

و فرهنگی یا موقعیت بیرونی اوست؛ این عوامل باعث انتخاب شرایط و سبکی خاص شده است و بر اساس این سبک و الگوی خاص، زندگی فردی و اجتماعی فرد پیش می‌رود؛ همان‌طور که آموزش و پرورش و والدین به عنوان مهم‌ترین عنصر تربیتی در جامعه و خانواده، نقش سازنده‌ای در شکل‌گیری شخصیت فرزندان بر عهده دارند. به همین دلیل نقش تربیت به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار عرصه رشد قلمداد می‌شود. یکی از اصول اساسی در رشد انسان این است که رشد جریانی بهم پیوسته و مرتبط می‌باشد. بدان معنی که کودکی یک دوران است، نوجوانی یک دوران و جوانی یک دوران دیگر که هر کدام شرایط رشدی و تربیتی خاص خود را دارند. نکته‌ی قابل توجه این است که این دوران‌های رشدی جدا از هم نمی‌باشند بلکه بهم پیوسته هستند. جوانی یک شخص به نوجوانی او مرتبط است و اینکه رشد نوجوانی را چگونه سپری کرده است بستگی به این دارد که کودکی‌اش چگونه سپری شده است. مثال کامل این امر حضرت علی علیه السلام است که از همان دوران کودکی در آغوش پیامبر عظیم شأن اسلام تربیت یافته‌اند. به گونه‌ای که حضرت

علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «شما موقعیت مرا نسبت به رسول خدا در خویشاوندی نزدیک و منزلت ویژه می‌دانید، پیامبر مرا در اتاق خویش (و یا در بغل خود) می‌نشانید در حالی که کودک بودم، مرا در آغوش می‌گرفت و به سینه خود می‌فشرد، و در بستر مخصوص خود می‌خواباند، بدن خود را به بدن من می‌چسباند و بوی پاکیزه خود را به من می‌بویاند، و غذا را لقمه لقمه در دهانم می‌گذاشت، هرگز دروغی در گفتار من و اشتباهی در کردارم نیافت. از همان لحظه‌ای که پیامبر را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ‌ترین فرشته خود، جبرئیل، را مأمور تربیت پیامبر نمود تا شب و روز، او را به راه‌های بزرگواری و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند. من همواره با پیامبر بودم چنان که فرزند همراه با مادر است و بچه‌ی شتر با شتر مادر است. پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز نشانه‌ی تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود و به من فرمان می‌داد که به او اقتدا نمایم.»

لذا تربیت یک فرایند مستمر و پیوسته است به منظور تزکیه و تهذیب فرد یا افراد، آموزش آن‌ها و پرورش استعدادها و آن‌ها برای رسیدن به هدف کمال نهایی که این کمال در جهان‌بینی و کتب ما همان قرب الهی می‌باشد. هدفی که ذکر شد یک هدف غایی است. حال آن که عوامل تربیت هر کدام اهداف مورد نظر خود را دنبال می‌کنند که متناسب با علایق و نگرش‌های آن‌ها متفاوت است و کارهای آن‌ها ممکن است به منظور تربیت پاک کودکان، مفید واقع شدن آن‌ها برای جامعه، خیر دنیا و آخرت خود و آن‌ها صورت گیرد.

از این رو برای تربیت ایمانی و اخلاقی فرزندان‌مان باید از همان کودکی کوشش کنیم و نیز این تلاش در دوره‌های بعدی متناسب با شرایط رشدی آن دوران انجام گیرد تا آن سری از پیامدهای مطلوب، آرمان و آمال مدنظر تربیت اسلامی در تمام بسترهای شخصی و جمعی جامعه اسلامی متبلور گردد. این خود نشان‌دهنده‌ی این است که نه تنها تربیت به صورت مقطعی نمی‌باشد بلکه انسان‌ها در تمام مسیر زندگانی خود در دنیا در حال یاددهی و یادگیری می‌باشند و با گذراندن یک دوره‌ی سنی امر تربیت پایان نمی‌پذیرد.



همراه بود:

۱. عیان شدن اصالت انقلاب اسلامی و پای‌بندی رهبری به آرمان‌ها و اصول انقلاب؛
۲. آگاه‌سازی مردم مبنی بر اینکه علی‌رغم پایان جنگ، توطئه‌ها ادامه خواهد یافت؛
۳. ایجاد وحدت داخلی در حمایت از این فتوا؛
۴. احیای غرور ملت ایران پس از پذیرفتن قطعنامه.

در هر حال، ملت مسلمان دریافتند که شاخص اصلی انقلاب اسلامی به عنوان حرکتی اصیل و نیرومند در برابر مخالفین اسلام، سیره‌ی نظری و عملی امام خمینی رحمه الله علیه است که فتوای اعدام سلمان رشدی، مؤلف کتاب آیات شیطانی یکی از وجوه این سیره بوده است.

نمود و بر این اساس، می‌توان ثمرات و نتایج مثبت آن را در سطوح بین‌المللی و داخلی برشمرد.

پیامدهای مثبت آن در سطوح بین‌المللی به شرح زیر است:

۱. نشان دادن قوای اسلام و وحدت میان فرّق گوناگون مسلمانان؛
۲. طرح اندیشه‌های اصیل انقلاب اسلامی؛
۳. توجه مسلمانان جهان به نفوذ رهبری مستحکم امام خمینی رحمه الله علیه؛

۴. مقابله با تحریف‌های مذهبی غرب در جهت تضعیف باورهای معنوی مسلمانان و فروریختن هیمنه غرب و شعارهای دروغین آن؛

۵. آشکار نمودن ماهیت سران سازش‌کار کشورهای اسلامی و ایجاد تمایز میان اسلام ناب و اسلام امریکایی؛

۶. مفصل‌بندی مرزهای فرهنگی و دفاع از آن.

در سطح داخلی نیز با پیامدهای مثبتی

هدف‌اند و آن سعادت حقیقی است که در چهارچوب اسلام به دست می‌آید. بنابراین، همان‌گونه که پیامبر و ائمه در این راه گام برداشتند علما نیز بایستی در این راه نقش آفرینی کنند. امام خمینی رحمه الله علیه در این باره اظهار می‌دارند: «اسلام عزیزتر از آن است که ما تصور می‌کنیم. اسلام آن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای او چه زحمت‌ها کشید و چه مصیبت‌ها کشید و چه جوان‌ها داد و چه اشخاص برومند را فدا کرد.»

فتوای امام خمینی رحمه الله علیه در باب ارتداد مؤلف کتاب آیات شیطانی پیامدهایی را نیز به دنبال داشته است. بسیاری از تحلیل‌گران، پیامدهای منفی آن را بر سیاست خارجی، منافع ملی و غیره سنگین ارزیابی می‌کنند و عنوان می‌نمایند که هرچه سریع‌تر دولت جمهوری اسلامی باید از این بار گران‌رهایی یابد؛ لیکن همچنان که گفتیم، این متن را باید در درون زمینه‌ی خود تحلیل



جامعه‌ای که رویکرد عدالت‌طلبی در آن وجود نداشته باشد، محکوم به سقوط است. حکومت عادلانه اینگونه است که خیر عمومی از طریق حکمرانی شایسته بر جامعه محقق شود. ما شاهدیم ساختارهای امروز توان مقابله با فساد و ناعدالتی‌های موجود را ندارند، چه برسد به پیش‌بینی و جلوگیری از وقوع بی‌عدالتی!

امام خمینی رحمه الله، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، در سخنرانی شجاعانه در باب اهمیت عدالت اجتماعی می‌فرماید: «کاری نکنید مردم بگویند یک رژیم فاسد رفت و رژیم فاسد دیگری به جایش نشست»، در سال‌های اخیر نیز شاهد هستیم مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم صراحتاً در باب عدالت می‌گویند: «نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به این دلیل است که این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست و فاصله میان باید‌ها و نبایدها به گونه‌ای است که وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب می‌دهد.»

این سخنان نشان از درک صحیح و ولای امامین انقلاب از نیازمندی جامعه به عدالت دارد؛ ولی متأسفانه ما امروز شاهد خرج میلیاردها تومان پول بیت‌المال برای تئوریوسازی‌های فرمالیته‌ای هستیم که هیچ آورده‌ای برای مردم و نظام ندارد و نمی‌دانیم این فرایندهای اشتباه چه زمانی قرار است اصلاح شود. به راستی دلیل این پافشاری برخی افراد برای تک‌حزبی و یکسازگی تفکر و از بین بردن روحیه انتقاد و عدالت‌خواهی با جایگزینی تفکر تقلید چیست؟ آن‌هم وقتی شاهد هستیم عدالت و عدالت‌خواهی جزو لاینفک یک حکومت مردمی و مبتنی بر اسلام است. جامعه‌ی ایران در بهیبه‌ی سال‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب، یک جامعه مبتنی بر

رفته‌ایم؟

منطق و احکام، فطرت و فلسفه، عقل و شعور، شرایط و روابط اجتماعی همه و همه نیازمند وجود عدالت اجتماعی و یک جامعه با ساختاری عادلانه هستند. عدالت چیزی نیست که به سبب وضع قانون یا به وسیله‌ی قانون‌گذار یا رواج آن در عرف جامعه اعتبار و ارزش داشته باشد؛ بلکه اعتبار و مشروعیت همه‌ی آن‌ها از عدالت است. متأسفانه شاهدیم که عدالت آنچنان که باید، به عنوان عنصر تضمین‌کننده‌ی یک حکمرانی سالم به رسمیت شناخته نشده است و امروز ما اندازه‌ی یک لیبرال برای عدالت ارزش قائل نیستیم و متأسفانه نتوانستیم به معیارهای اولیه‌ی اسلام در باب عدالت دست یابیم. عدالت تابع خواست قانون‌گذار و سلیقه‌ی فردی و جمعی افراد نیست بلکه حقیقتی است که ارزش ذاتی و اعتبار نفسانی دارد. عدالت نفس‌الامری و مطلق است؛ عدالت ناشی از قانون نیست بلکه قانون ناشی از عدالت است و همه‌ی این‌ها در خدمت جامعه‌ی اسلامی قرار می‌گیرند.

در بحث عدالت ساختاری شهید بهشتی می‌گویند: «هیچ زیربنای اجتماعی از آن زیربنای شوم خطرناک‌تر نیست که انسان یا انسان‌هایی می‌توانند هرچه می‌خواهند یا می‌توانند انجام دهند بی‌آنکه بشود بر آن‌ها خرده گرفت و بی‌آنکه بشود از آن‌ها بازخواست کرد؛ جامعه‌ی اسلامی جامعه‌ی بره‌ها نیست، جامعه‌ی آدم‌ها است. آدم‌هایی که انتقاد می‌کنند و در هرکاری دقت دارند اما به چه خاطر؟ بخاطر پاسداری از حق و عدل که از محترم‌ترین چیزهاست.»

در حکومت اسلامی لازمه‌ی باور به عدالت، معاد باوری است. جامعه‌ای که به معاد، باور حقیقی نداشته باشد حکومتش رویکرد عادلانه‌ای نخواهد داشت و اساساً

به طور قاطع به آن فرمان می‌دهد و آن را واجب می‌کند؛ برای مثال آیات «ان الله یامر بالعدل» (نحل / ۹۰)، «یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالعدل» (ص / ۲۶) به این فرمان الهی اشاره دارد. همچنین خداوند در آیه‌ی «ولا یجرمتمک شنان قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هواقرب للتقوی» (مائده / ۸) به جامعه‌ی اسلامی متذکر می‌شود که بدی‌ها و دشمنی‌های مخالفان نباید شما را از راه عدالت بیرون برد و حتی با دشمنان‌تان با عدالت رفتار کنید.

قرآن بر همین اساس یکی از اهداف عمده‌ی پیامبران را اقامه‌ی عدل و قسط می‌شمارد و می‌فرماید: «و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید / ۲۵).

هرچند علامه طباطبایی این عدالت و قسط را به قسط در معاملات حمل نموده است ولی مفسران دیگر از آن مطلق عدالت اجتماعی در همه‌ی زمینه‌ها از جمله عدالت اقتصادی را برداشت کرده‌اند.

شهید مطهری از علمای برجسته‌ی عصر معاصر و از تئوریسین‌های انقلاب اسلامی در باب تأثیر فقه‌ی اسلام در تدوین مفاهیم عدالت می‌گوید: «علمای اسلام با تدوین و توضیح اصل عدل پایه‌ی فلسفه حقوق را بنا نهادند هرچند بخاطر پیش‌آمدهای تلخ تاریخی نتوانستند نقش تاریخی که شروع کرده بودند را ادامه دهند و در این راه با قصور فقها مواجه شدیم و از ادامه راهی که خود شروع کرده بودند، باز ماندند.» امیر مومنان درباره‌ی عدالت می‌فرمایند: «آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد، عدالت است.» اما به راستی ما تا چه میزان به سمت تحقق عدالت پیش



امور، به طوری که هر چیزی سهم مورد استحقاق خویش را داشته باشد، و در جای دیگری می‌فرماید: «عدالت آن حالت میانه، به دور از افراط و تفریط می‌باشد.» شهید مطهری می‌گوید: «عدالت عبارت است از اعطای حق به ذی حق یا عدم تجاوز به حق ذی حق؛ البته پیش از همه این تعریف‌ها، علی علیه‌السلام عدالت را «اعطاء کل ذی حق حقه» دانسته و در جای دیگر عدالت را به معنای انصاف، میانه‌روی و اجتناب از افراط و تفریط و قرار گرفتن هرچیز در جای خودش، تعبیر نموده‌اند.

اهمیت عدالت اجتماعی در قرآن

از منظر قرآن، ارزش عدالت در سطح اجتماع به حدی است که به صورت اصلی بنیادین مطرح گشته و خداوند

ارسطو را همراه با جمله متمم سبسون مهم‌ترین تعریف عدالت شمرده‌اند.

به اعتقاد افلاطون، عدالت رشته‌ای است که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد.

در دوره‌ی رنسانس به منظور وحدت افراد، تأمین منافع دیگران را نیز در معنای عدالت وارد کرده و گفته‌اند: «عدالت اجتماعی دال بر احترام به حقوق دیگران و دادن حق هر صاحب حقی است.» همین وضعیت در تعاریف دانشمندان اسلامی نیز بوده است.

مرحوم طبهرسی آن را «مانند چیزی از جنس خودش، یعنی برابری» معنی می‌کند. مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: «عدالت برپا داشتن مساوات است و برقراری موازنه بین

امیرعلی وطن‌دوست باجگیران
مهندسی مواد و متالورژی -
ورودی ۹۷



عدالت، عنصر نام‌آشنای فطرت

عدالت، آرمانی انسانی و یک‌گرایش باطنی است و سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد. بشر بعد از شناخت عدالت مبنای قوانین و قضاوت‌های خویش را قضاوتی عادلانه قرار داده است. هیچ چیز به اندازه‌ی پایمال شدن حق ضعیف و مظلوم برای فطرت بشر زجرآور و نفرت‌انگیز نیست و هیچ مسأله‌ای به اندازه‌ی بی‌عدالتی، کینه و دشمنی را در قلب‌ها پدید نمی‌آورد. علت بسیاری از انقلاب‌ها، فقدان عدالت اجتماعی در بستر جامعه بوده است؛ از همین رو تمام مصلحان بشری و انسان‌های آزاده‌ی تاریخ با اندیشه‌ی عدالت، حرکت‌های اصلاحی را آغاز نموده و یکی از اهداف اصلی انقلاب و تحولات اجتماعی خود را رفع تبعیض و برقراری عدالت اجتماعی قرار داده‌اند. مسأله‌ی امروز ما نیز برهم خوردن توازن میان عدالت، استقلال و آزادی بعنوان شعارهای انقلاب اسلامی است.

عدالت در دیدگاه اندیشمندان و فیلسوفان

از نظر ارسطو، عدالت به معنای عام آن شامل تمام اقسام فضایل و به معنای خاص آن فضیلتی است که به موجب آن باید به هرکس آنچه حق اوست داده شود. سبسون حقوق‌دان رومی این جمله را بر این تعریف افزوده است: «به شرط این که به منافع عمومی زیان نداشته باشد.»

حقوق‌دانان و حکمای غربی تعریف

آروما تراپی، علمی به قدمت اسلیم

زینب سرخ آبادی
کارشناس روانشناسی
دانشگاه خردگرایان مطهر



انسان‌ها هزاران سال است که از آروما تراپی استفاده می‌کنند. فرهنگ‌های باستانی در چین، هند، مصر قطعات گیاهی آروماتیک را در صمغ و روغن‌ها ترکیب کردند. این مواد طبیعی برای اهداف پزشکی و مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

روش تقطیر روغن ضروری در قرن دهم به ایرانیان نسبت داده می‌شود، اگرچه ممکن است این روش برای مدت طولانی قبل از این مورد استفاده قرار گرفته باشد. اطلاعات مربوط به تقطیر روغن ضروری در قرن ۱۶ میلادی در آلمان منتشر شد. پزشکان فرانسوی در قرن ۱۹ پتانسیل روغن‌های اسانس را در درمان بیماری‌ها تشخیص دادند.

آروماتروپی دارای مجموعه‌ای از منافع است؛ این روش باعث بهبود کیفیت خواب و کاهش استرس شده و درد مفاصل را نیز تسکین می‌دهد. در درمان سردرد و میگرن موثر است و باعث کاهش اثرات جانبی شیمی درمانی، کاهش درد زایمان می‌شود. بهبود هضم غذا، برای بهبود هضم غذا و حتی درمان سرطان نیز از این روش می‌توان کمک گرفت.

البته این روش نیز اثرات منفی‌ای به همراه دارد که بهتر است برای اطلاع از نحوه‌ی کمک گرفتن از آن به متخصص این حوزه مراجعه کنید.

لازم به ذکر است که فواید یاد شده برای عطرها طبیعی هستند و عطرها شیمیایی سودازا و دارای ضرر بسیاری هستند.

نقل است که حضرت رسول یک سوم درآمد خود را به خرید عطر اختصاص می‌داده و همواره معطر بوده‌اند. در دین اسلام همواره بر استعمال و استشاق عطر تاکید شده و آن را عملی مستحب دانسته‌اند.

در طب نوین علمی به نام آروماتراپی به وجود آمده که از آن با عنوان رایحه درمانی نیز یاد می‌شود.

این روش در بهبود آرامش اعصاب، رفع اضطراب و درمان افسردگی غوغا می‌کند.

خوب است بدانید بسیاری از افرادی که به سردی جنسی دچار بودند، با استعمال عطر سنجید بهبودی یافتند.

آروماتراپی یا رایحه درمانی روشی است که مزایای زیادی برای سلامت جسم و روان و درمان برخی بیماری‌ها دارد که از طریق استشام روغن‌های اسانس انجام می‌شود.

آروماتراپی درمانی جامع است که از عصاره‌ی گیاهان طبیعی برای بهبود سلامتی استفاده می‌کند. گاهی اوقات این روش روغن درمانی نامیده می‌شود. آروماتراپی از روغن‌های اسانس معطر برای بهبود سلامت بدن، ذهن و روح استفاده می‌کند.

آروماتراپی هم به عنوان یک هنر و هم به عنوان یک علم تلقی می‌شود.

روندی اصلاح نخواهد شد. قرآن کریم در باب مسئله‌ی اثرگذاری مردم بر شرایط دولت‌ها و حکومت‌های حاکم می‌گوید: «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر توسط خودشان!»

حال وقتی عدالت‌خواهی یک فریضه‌ی الهی است و در بینش رهبران انقلاب بر آن تاکید شده است، چرا شاهد کاهلی مردم در اجرای این امر هستیم؟

اهل قدرت و ثروت با دادن رشوه، هدیه و وارد کردن فشار بر چهره‌های شناخته شده در بین مردم، سیستم را به گونه‌ای چیده‌اند که اگر روشن‌گری بخواهد آگاهانه با بی‌عدالتی مبارزه کند، ناخواسته خود را در مقابل فرهنگ، سیاست و در نهایت حاکمیت می‌بیند.

برای اصلاح این روند نیاز به یک بازنگری در برخی اجزای نظام حس می‌شود؛ زیرا بدون رفع نقصان موجود نمیشود به اصلاح و ایجاد ساختاری مبتنی بر عدالت پرداخت. راه حل این اصلاح همان‌گونه که رهبر انقلاب فرمودند، روی کار آوردن افراد مومن و متعهد است. افرادی که با ذهنیت عمل‌گرا و جهادگونه، بدور از وابستگی به عناصر فساد، به رویارویی با معاویه‌های زمانه روند و آن‌ها را از مسندهای قدرت و ثروت که با تحقیر مستضعفین به عنوان برپاکنندگان انقلاب بدست آورده‌اند، به زیر کشند.



تفکر انتقاد بود ولی ما امروز شاهد یک جامعه‌ی واداده علمی-عملی هستیم که ریشه‌های تفکر در آن خشکانده شده است و با تربیت نیروهای فکری و اسیر در بینش‌های خاص، نمی‌تواند جنبش فکری و اثرگذاری اجرایی داشته باشد. این وادادگی‌های فکری در دانشگاه نیز نمود خود را دارد. آن جایی که شما از قشر تحصیل کرده انتظار تولد فکر و بینش نو را دارید ولی چیزی جز سکوت عایدتان نمی‌شود.

تا زمانی که توده‌ی مردم برای اصلاح شرایط حاکم مطالبه‌ی عدالت نکنند،



به سفارش مادر م



حمیدرضا ایروانی
کارشناس فقه و حقوق -
ورودی ۹۵

سونیا فرای دختری مسیحی از شهر ارفورت آلمان است که با روحیه‌ای سرشار از کنجکاوی و حقیقت‌جویی توانست گره‌های ذهنی خود را باز کرده و یکی از مهم‌ترین چالش‌های زندگی خود را پشت سر بگذارد. او توانست با تحقیق و تفحص بسیار مسیحیت را کنار بگذارد و یگانه راه سعادت را پیدا کرده و اسلام آورد. او در سن ۲۱ سالگی و بعد از اسلام آوردن، مذهب شیعه را برگزید. چندی بعد به مشهدالرضا سفر کرد و در جامعه‌المصطفی مشغول تحصیل شد. سپس با یک مسلمان ایرانی ازدواج و نام مبارک حضرت زهرا را برای خود انتخاب کرد.

در ادامه گفت و گوی ما با سونیا فرای (زهرا مهروان فر) را می‌خوانید.

لطفا در ابتدا خودتان را معرفی بفرمایید.

من زهرا (سونیا) مهروان فر هستم، متولد آلمان.

در حال حاضر ۲۵ سال دارم و به تحصیل در دانشگاه جامعه‌المصطفی در مقطع کارشناسی رشته‌ی علوم قرآن و حدیث مشغولم.

چه مسأله‌ای باعث شد که مسیحیت را کنار بگذارید؟

همه چیز با یک نصیحت از مادر م شروع شد. ایشان بر خواندن انجیل تأکید داشتند و بر همین اساس من مطالعه‌ی آن را در پیش گرفتم. اولین مسأله‌ای که توجهم را به خود جلب کرد و باعث ایجاد شک در عقیده‌ی مسیحیت من شد، این بود که مسیحیان معتقدند خدا هم پسر و هم روح مقدس است. اگر چنین باشد؛ پس چرا در عهد قدیم عنوان نشده که روح مقدس یا عیسی علیه‌السلام جهان را آفرید؟ چرا حضرت عیسی علیه‌السلام خدا را عبادت می‌کند؟ مگر خودش خدا نیست؟ اگر قرار است حضرت عیسی علیه‌السلام پسر خدا باشد، باید شامل تمام صفات خدا هم باشد؛ اما ایشان در انجیل اعلام می‌کند قدرت و توانایی علمی که داراست، از خودش نیست بلکه از خدا است؛ و چون از مسیحیان

یک جواب قانع کننده به دست نیآوردم، مسیحیت را رها کردم.

اما شکی نیست که حتما یک آفریدگار وجود دارد. زیرا تمام این عالم هستی و این همه هماهنگی نمی‌تواند خود به خود ایجاد شده باشد و این نظم، زمانی ممکن است که همه فقط از یک آفریدگار به وجود بیاید.

چه شد که اسلام را برتر دانسته و آن را در نهایت به عنوان دین کامل برگزیدید؟
من اولین بار در مقطع دبیرستان درباره‌ی اسلام شنیدم. داستان از این قرار بود که در کلاس مدرسه درباره‌ی ادیان بزرگ جهان صحبت می‌کردیم و استاد به ما به صورت مختصر در مورد اسلام توضیح دادند. ایشان نماز اهل سنت را به ما آموزش داده و حتی ترجمه‌ی قرآن را برای می‌آوردند تا آن را مطالعه کنیم. البته خود استادمان هم مسلمان نبودند و در آخر به ما نصیحت کردند سراغ این دین نرویم زیرا که در آن حقوق زن بسیار نادیده گرفته می‌شود. وقتی منع استخدام در این ماجرا را دیدم، کنجکاو شدم بینم خود قرآن در این باره چه می‌گوید؛ زیرا از نظر من اگر می‌خواهیم درباره‌ی اسلام تحقیق کنیم و اطلاعاتی بدست بیاوریم به‌ترین راه، مطالعه‌ی خود قرآن است.

در سن ۱۷ سالگی ترجمه‌ی قرآن را به صورت رایگان از برادران اهل سنت تهیه کردم و به مطالعه‌ی آن پرداختم. توجه شدم تمام مسائل مربوط به خدا و حضرت عیسی علیه‌السلام با تفکر من مشترک بود. مسأله‌ی دیگر اشاره به علوم مختلف در قرآن بود که انسان‌ها تازه توانسته‌اند آن‌ها را با دستگاه‌های پیشرفته کشف کنند. اما در کنار همه‌ی این مسائل برای من جالب‌ترین نکته این بود که اولاً یک سوره به اسم نساء در قرآن وجود دارد و ثانیاً حقوق زن که شامل به‌ترین رفتار در مقابل زن، حق ارث، حق تحصیل، داشتن یک درآمد برای خودش می‌شود، در قرآن تعیین شده است و این‌ها در زمانی عنوان شده‌اند که هم در خود عربستان و هم در کشورهای غربی از چنین حقوقی خبری نبوده است. در آلمان اولین باری که یک زن توانست به ارث و درآمد شخصی دست پیدا کند، تقریباً ۹۰۰ سال



پیش بود؛ ولی اسلام این حق را ۱۴۰۰ سال پیش تعیین کرده است. نکته‌ی بعدی این است که پیامبر صلی الله علیه و آله از یک حوزه یا دانشگاه علمی فرا نگرفتند و در فضایی زندگی می‌کردند که از لحاظ علوم خیلی عقب مانده بوده است. در چنین وضعیتی چگونه ممکن است کسی از معلومات شخصی خودش بگوید که مراحل تکامل چنین در شکم مادر چگونه است. از این مسأله معلوم می‌شود که حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر الهی هستند و قرآن کتاب آسمانی حقیقی است و من این گونه به اسلام ایمان آوردم.

از چه طریقی در باب مذهب تشیع و تسنن اطلاعات به دست آوردید و در

تحقیق این مسأله پیدا کنیم. اولین گره ذهنی من این بود که فرق بین شیعه و سنی چیست؟ این سوال را ابتدا از اهل سنت پرسیدم و در جواب شنیدم: «چنین سؤالی نپرس! برو نماز را بخوان! روزه‌ات را بگیر! قرآن را یاد بگیر و حتی حفظ کن!» و هیچ‌گاه جوابی دقیق به من ندادند. بعد از آن به سراغ شیعیان رفتم و همان سوال را از ایشان پرسیدم و در جواب این را شنیدم: «فرق زیادی نداریم، مگر در بعضی از مسایل تاریخی و احکام. اما بهتر است که برای حفظ وحدت به چیزهای مشترک بیش‌تر اهمیت بدهیم.» من حفظ وحدت را قبول داشتم اما باز هم می‌خواستم راه راست و درست را پیدا کنم.

چگونه به پاسخ نهایی رسیدید؟

سریع‌ترین راه برای رسیدن به پاسخ این سوال که علمای افراطی از آن خیلی می‌ترسند، جست و جو در تاریخ مذاهب است. من همین راه را در پیش گرفتم و به این نتیجه رسیدم که تنها مذهبی که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را تبلیغ کرده، شیعه‌ی امامیه است؛ زیرا تمام مذاهب جز این، بعد از رحلت پیامبر صلوات الله علیه ایجاد شدند. اما بعد از آن سوال جدیدی در ذهنم مطرح شد؛ اینکه آیا شیعه‌ی امامیه فقط در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله تبلیغ شد یا قبل از وی توسط پیامبران دیگر نیز بین مردم وجود داشت؟ من معتقد بودم که پیامبر اسلام صلوات الله علیه برای نوآوری نیامده‌اند بلکه علت ارسال ایشان تکمیل بوده است. از قرآن می‌فهمیم که تمام پیامبران از جانب یک خدا فرستاده شده‌اند، پس پیام‌شان هم یکی است. فقط روش تبلیغ‌شان بر اساس زمان حیات و پیشرفت و نیازهای مردم فرق داشته است. می‌دانم که کتاب‌های انجیل و تورات امروزه تحریف شده‌اند ولی باز هم می‌توانیم در آن‌ها گوشه‌هایی از حق را پیدا کنیم. این مسائل باعث شد که این کتاب‌ها را دوباره بخوانم. بسیار متعجب شدم وقتی دیدم که اگر چه در این کتاب‌ها تحریف صورت گرفته اما مشترکات زیادی با باورهای شیعه‌ی امامیه، که متأسفانه توسط کشیش‌های

نهایت کدام را بر حق دانستید؟

هر زمان که جایی عنوان می‌کردم که مسلمان هستم اولین سوال افراد این بود که مذهب چیست و من معتقد بودم در ترجمه‌ی قرآن عنوان نشده است که باید شیعه باشیم یا سنی، بلکه باید تسلیم خداوند متعال باشیم. ولی باز هم این سوال در ذهنم ماند که اصلاً چرا اسلام دو راه دارد؟ مگر حقیقت یک راه مستقیم نیست؟ همچنین در آلمان یک گروه افراطی وجود دارد که ضد شیعه حرف می‌زنند و متأسفانه بیش‌تر اهل سنت که در آلمان ساکن‌اند هم به این گروه احترام می‌گذارند. به هر حال این افراطی‌ها که اینگونه درباره‌ی شیعه حرف زدند، باعث شدند که انگیزه برای

مسیحی پنهان می‌ماند یا اشتباه تفسیر می‌شوند، وجود دارد. همین مسأله باعث شد که مذهب تشیع را برگزینم.

در این مدتی که اسلام آورده‌اید، کدام یک از عناصر این دین شما را بیش‌تر جذب کرده است؟

یکی از جالب‌ترین نکاتی که اعتقادم را به اسلام محکم‌تر می‌کند، معجزه‌ی علمی قرآن و حکمت نهفته در دستورات آن و نعمت‌های الهی است. یعنی هیچ حکمی و هیچ نعمتی بی‌دلیل نیست. هر وقت قرآن را می‌خوانم و یا در کتب حوزوی مطالبی را مطالعه می‌کنم، به یک راز جدید پی می‌برم. در نهایت به این رسیدم که اسلام فقط یک دین نیست؛ بلکه یک سبک زندگی است که در آن همه چیز به هم ربط دارد و به غیر از خدا هیچ موجودی برای موجود بودن از دیگران بی‌نیاز نیست.

با کدام سوره‌ی قرآن انس بیش‌تری دارید؟

من با سوره فاتحه انس زیادی دارم. دلیل آن هم تنها این نیست که اولین سوره‌ی قرآن است یا در نمازهای یومیه خوانده می‌شود، بلکه محتوا و عمق این سوره باعث می‌شود که با آن ارتباط خوبی برقرار کنم. با این سوره خدا را ستایش می‌کنیم و در آن به اینکه از کجا آمده‌ایم و به کجا بر می‌گردیم، توجه داریم. ما از این سوره توکل به خدا را یاد می‌گیریم و خالصانه از او کمک و هدایت می‌خواهیم و چون ما معصوم نیستیم و همیشه دچار اشتباهات می‌شویم نیاز به ارتباط با خدا، راهنمایی گرفتن از او و الگوگیری از سبک زندگی انسان‌های صالح داریم که تلاش کنیم زندگی خودمان را نیز شیعه گمراهان و آدم‌های غضب شده را داریم؛ چون اگر به چنین افراد ملحق بشویم هیچ وقت به نور خدا نخواهیم رسید.

کدام آیات قرآن در زندگی‌تان کاربردی‌تر بوده است؟

تمام آیات قرآن برای زندگی درس‌های زیادی دارد. ولی اگر بخواهم یک آیه را معرفی کنم، آیه ۳۱ سوره‌ی اعراف است که خداوند متعال می‌فرماید: **وَأَشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا؛** و بخورید و

هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و اصول موضوعی پذیرفته‌شده در هر سامانه‌ی دانایی مختصات ویژه خود را خواهد یافت. به شخصه از معتقدان به علم اقتصاد اسلامی هستم چرا که نمی‌توان اقتصاد اومانستی سرمایه‌داری و سوسیالیستی را ظرفی برای تحقق آرمان‌های اسلام دانست. چگونه می‌شود که پول هدف باشد ولی آن اقتصاد نامی اسلامی برای خود دست و پا کند. پس باید یک نظام اقتصادی اسلام باشد که ما بتوانیم ظرف تحقق شعارهای اسلامی را در آن ببینیم. عده‌ای با مطرح کردن نبود اقتصاد اسلامی در صدر اسلام وجود چنین نظامی را رد کرده‌اند اما اگر با نگاه دقیق‌تر به تاریخ توجه کنیم افرادی مثل ابن‌خلدون، ابویوسف، ابن‌قدامة مطالبی را راجع به این موضوع ارائه کرده‌اند.

اساساً روش کشف نظام اقتصادی اسلامی شبیه روش کشف نظریه‌ها و قوانین کلی در علم فقه است. می‌توان گفت اولین گام رسیدن به نظام اقتصادی اسلام در دوران مدرنیته، «نه بزرگ» جمهوری اسلامی به نظام سلطه‌ی جهانی بود که بستری را برای تمام متفکرین اسلامی گشود تا بتوانند آزادانه‌تر به فعالیت‌های خود بپردازند ولی متأسفانه به علت نفوذ سنگین جریان غرب‌گرا در کشور تا کنون میدانی به اقتصاددانانی که به اقتصاد اسلامی ایمان دارند، داده نشده که کارآمدی این نظام اقتصادی در بین آحاد جامعه به نمایش گذاشته شود. اسلام دین پویا و دین همه‌ی اعصار است؛ نمی‌شود که ما اسلام را قبول داشته باشیم ولی اقتصاد، فلسفه و دیگر علوم اسلامی را قبول نداشته باشیم و برای رسیدن به آمال دنیوی خود از نظریات فریدمن و هایک و ... استفاده کنیم.



نگاهی کوتاه بر اقتصاد اسلامی

معین حسینی



کارشناسی اقتصاد - ورودی ۹۸

پیشینه‌ی اقتصاد اسلامی به صدر اسلام و زمان تشکیل حکومت اسلامی باز می‌گردد. طبق این استدلال، در دوران تمدن اسلامی آثار فراوانی درباره‌ی موضوعات اقتصادی به وسیله‌ی فقیهان و دیگر متفکران مسلمان به نگارش در آمد. در دهه‌های اخیر افزون بر کتب فقهی، کتاب‌هایی نیز درباره‌ی موضوعاتی چون مالکیت، بهره و ربا، مالیات، بیمه و ... از نگاه اسلامی نگاشته شده است. باید گفت خصوصیت بیش‌تر این آثار، تک‌نگاری و فقدان نگاه جامع و نظام‌وار به بحث‌های اقتصادی اسلام است.

همانطور که منذر جحف گفته است: «واژه‌ی دین بر مطابقت رفتارهای فرد با عقاید و دستوره‌های معین الهی دلالت دارد؛ در صورتی که کلمه‌ی اسلام بر تسلیم بودن فرد در برابر شریعت دلالت دارد»، منابع اسلامی یعنی قرآن و سنت تأکید دارند که رفتار اقتصادی انسان باید در چارچوب هنجارها، ارزش‌های اخلاقی و الگوهای رفتاری که قرآن و سنت تعریف می‌کنند، قرار گیرد. بخش بزرگی از آثار فقهی که خود بر قرآن و سنت مبتنی‌اند، درباره‌ی الگوهای رفتار اقتصادی و روابط تجاری است. هدف علم تحلیل اقتصاد اسلامی، بررسی پدیده‌ی اقتصادی و شناخت ارتباط عوامل این پدیده با یکدیگر و ارتباط آن با دیگر متغیرها است. به تعبیر دیگر هدف تحلیل اقتصادی، شناخت قوانین اقتصادی است. روش بحث در این تحلیل، همان روش علمی است که اندیشمندان مسلمان در صدر اسلام نیز پذیرفته بودند. براساس این روش، هماهنگی بین منابع شناخت شکل می‌گیرد. آموزه‌های وحی اولین منبع شناخت و مهم‌ترین آن است و دومین منبع آن را می‌توان بررسی‌های تاریخی به حساب آورد. این بررسی‌های تاریخی در مکتب تشیع معطوف به روایات و سخنان بر جا مانده از امامان و یاران ایشان است.

دین اسلام، دینی نظام‌مند بوده و در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارای نظام مشخص است که باید از آیات، روایات و فتاوی فقیهان کشف شود. به این تعبیر، بحث و اختلاف در این است که آیا اسلام افزون بر «نظام اقتصادی»، دارای علمی تحت عنوان «علم اقتصاد اسلامی» نیز هست؟

به طور کلی می‌توان گفت: روش علم اقتصاد چون تجربه در مقام داوری است، تعیین نمی‌کند که گزاره‌ها یا قضایای مورد بررسی، از چه قلمرویی گردآوری شده‌اند. با توجه به واقعیت فوق این سوال اساسی مطرح می‌شود که چگونه می‌توان بین علم اقتصاد و نوع گزاره‌هایی که مورد بررسی تجربی قرار می‌دهد، با آموزه‌های دینی، تعامل منطقی برگزار کرد؟

اینگونه به این سوال پاسخ می‌دهیم که آموزه‌های اسلامی از دو زاویه می‌تواند بر علم اقتصاد تأثیر بگذارد؛ اولاً آموزه‌های اسلامی می‌تواند جهت‌دهنده‌ی علم اقتصاد باشد و ثانیاً آموزه‌های اسلامی در حوزه اقتصاد، مسائل قابل بررسی بر اساس روش علمی را ارائه می‌دهد و علم اقتصاد با روش خاص خود این مسائل را بررسی می‌کند. از سوی دیگر، علم اقتصاد در سایه‌ی تحقیقات خود موضوعات جدیدی را ارائه می‌دهد و آموزه‌های اسلامی دیدگاه خود را نسبت به آن‌ها بیان می‌کند. در رابطه با امکان شکل‌گیری دانش اقتصاد نظری در تمدن اسلام باید گفت که لازم به تطبیق با اصول مبانی اقتصادی امروزی نداریم چرا که امکان اشتباه در مکاتب فعلی وجود دارد.

دانش اقتصاد، دانشی است که می‌خواهد به شناخت واقع‌گرایانه پدیدارهای اقتصادی با هدف تبیین و وصف آن‌ها بپردازد و مبنایی برای پایدها و نیایدهای دانش اقتصاد عملی فراهم کند. اما چنین دانشی لزوماً مترادف با علم اقتصاد در معنای غربی آن نخواهد بود؛ بلکه به فراخور

به نظر شما چگونه می‌توانیم دیگران را به اسلام دعوت کنیم؟ یا چگونه می‌توان انگیزه‌ی مطالعه در باب اسلام در دیگران را ایجاد کرد؟

به نظر من به‌ترین راه جذب دیگران به اسلام، اخلاق و رفتار خود مسلمانان است. این مسئله هم برای کشورهای اسلامی و هم برای کشورهای غیر اسلامی لازم است. در کشور غیر اسلامی، اگر مسلمانان اثم از زن و مرد با رفتار خوبی در جامعه حضور داشته باشند ممکن است مردم هم به تدریج از فرهنگ اسلام خوش‌شان بیاید. همچنین اگر مردم و دولت در جامعه‌ی اسلامی تلاش کنند به ارزش‌های اسلامی اهمیت بدهند و به آن‌ها عمل کنند و همراه با استقلال کشورشان را جلو ببرند و پیش‌رفت کنند، بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند؛ نامسلمانان به اسلام جذب می‌شوند، انگیزه برای مطالعه درباره‌ی اسلام پیدا می‌کنند و حتی ممکن است این کشورها را به عنوان الگوی سیاسی برای کشورهای خود انتخاب کنند.

در پایان اگر صحبتی دارید، بفرمایید.

جا دارد این نکته را عنوان کنم تا همه بدانند که قول‌هایی که کشورهای غربی درباره‌ی آزادی، حقوق بشر و حقوق زنان می‌دهند مورد اعتماد نیست. اگر تسلیم آن‌ها باشیم و به حرف رهبر انقلاب اسلامی که نایب امام زمان هستند عمل نکنیم و تلاشی برای رشد استعدادهای مان در تولید کشور خود نکنیم، هیچ وقت شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» محقق نمی‌شود.

دیگر اینکه ما زنان مسلمان نباید حجاب‌مان را به به سبک مدهای عجیب و غریب داشته باشیم. و نباید از سبک زندگی غربی الگو بگیریم. این فکر اشتباه است که گمان کنیم این آزادی را که غرب قول می‌دهد، آزادی واقعی است. این یک زندان است که در آن فقط ظاهر تان مهم است و شایستگی‌های شما و نقاط والای شخصیت‌تان نادیده گرفته می‌شود. کشورهای معاند و غربی اسلام را بدون حجاب و تأثیر اجتماعی می‌خواهند.

اما ما مطیع خداوند متعال هستیم و ارزش‌های دینی و ارزش شخصیت زن را با حجاب و حضور موثر در جامعه حفظ خواهیم کرد و اجازه نمی‌دهیم که قدرت‌مندان جهان، یک تصویر وارونه درباره‌ی اسلام وارد ذهن مردم کنند.



مادرم هم بعد از مدتی که رفتار من را دید، دلش نرم شد.

احتمالاً شما هم با پذیرش اسلام دچار مشکلات زیادی از جمله عدم پذیرش جامعه، تمسخر و از دست دادن دوستان شده اید؛ آیا اسلام آوردن ارزش این مسائل را داشت؟

بله! برای من هم این مشکلات به وجود آمد و لازم است اعلام کنم که کاملاً ارزشش را داشت. درست است که در ظاهر دوستانم کم‌تر شدند؛ افراد به من نگاه عجیبی می‌کردند و شاید حرف نامربوطی هم به من می‌گفتند. اما از همه چیز مهم‌تر این است که پیش خداوند پذیرفته شوم. چه چیزی بهتر از رضایت خداوندی است که ما را آفریده؟!

قبل از اینکه دین اسلام را انتخاب کنید چه نگرشی نسبت به زنان مسلمان داشتید؟

من قضاوت خاصی نداشتم. اما از پوشش و منش‌شان واقعا لذت می‌بردم. کلاً زنان مسلمان را به عنوان انسان‌های بسیار مهربان، اهل تلاش، تمیز، منظم، اهل حیاء و خوش اخلاق می‌شناختم.

بیاشامید و اسراف نکنید». گفته شده است که این آیه راز سلامتی روح و جسم را مطرح می‌کند. در تفسیر نور آمده است که همین پرخوری، منشأ بسیاری از بیماری‌های جسمی و مایه‌ی سنگ‌دلی و محروم شدن از چشیدن مزه‌ی عبادت است. چنانکه پیامبر صلوات الله علیه فرمودند: «المعدة یبت کل داء؛ معده، کانون هر بیماری است».

روابط خانوادگی شما بعد از مسلمان شدن چه تغییراتی داشته است؟

روابط من با خانواده‌ام پس از مسلمان شدن خیلی تغییر کرد. در ابتدا همه فکر کردند من عضو گروه‌های افراطی شده‌ام، ولی بعد نظر بیش‌تر اعضای خانواده تغییر کرد. الان ارتباطم با پدربزرگ و مادر بزرگم بیش‌تر و بهتر شده است. خواهرم اصلاً برایش مهم نیست چه راهی را انتخاب کرده‌ام و فقط مرا دوست دارد. بعضی اعضای خانواده‌ام هم در ابتدا بشدت مخالف با اسلام و حجاب بودند، اما وقتی دیدند که بر عقیده‌ام استوارم و به حجابم افتخار می‌کنم، نظرشان عوض شد و عذرخواهی کردند.

نهی با نهج ابلاغه

با عمل به دستورات شرع تحقق پیدا نمی‌کند. باید مهربانی‌ها را با دیگران قسمت کنیم و در غم‌های دیگران شریک باشیم. روش مردم‌داری روشی معقول و پسندیده است. امام علی علیه‌السلام درباره‌ی الفت با خلق می‌فرماید: «المومن معروف و لا خیر لمن لا یالف و لا یولف»؛ مومن اهل الفت و جوشیدن و انس با مردم است و هر کس با مردم الفت نگیرد و با او مأنوس نباشد در او خیری نیست. مومن باید سرشار از فداکاری‌ها و نوازش‌ها، محبت‌ها، دلسوزی‌ها، دستگیری از مستمندان، عشق‌ها و شورها باشد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «العلم خلیل المومن و الحلم وزیره و الرفق اخوه»؛ برای مومن علم و آگاهی، دوست؛ علم

اسلام همگان را به معاشرت نیکو دعوت کرده و انتظارش از دین‌داران این است که رفتارشان با مردم همراه عطف و مهربانی و کلام‌شان همراه نرمی و تواضع باشد؛ در مشکلات به داد همدیگر برسند و در شادی‌ها شریک هم باشند؛ نتیجه‌ی چنین رفتاری این خواهد بود که در دوران زندگی دل‌ها مشتاق هم و پس از مرگ، دیگران در فراق آن‌ها اندوه‌ناک و گریان باشند. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «خالطوا الناس مخالطه ان متم معها بکوا علیکم و ان عشتم حنوا علیکم؛ با مردم به گونه‌ای معاشرت کنید که اگر در آن حال بمیرید برای شما گریه کنند و اگر زنده ماندید مشتاق شما باشند»، البته این سخن حضرت جز با برخوردی نیکو از جنس خدایی و

زینب نوری
کارشناسی فقه و حقوق - ورودی ۹۹

انسان ذاتا اجتماعی آفریده شده است و از همین رو لازم است نحوه‌ی درست تعامل با افراد را آموخته و آن را در زندگی خود پیاده سازد. از همین رو بر آن شدیم تا در کلام امیر سخن، حضرت علی علیه‌السلام، کمی تأمل کنیم و با بهره‌گیری از حکمت‌های ایشان در کتاب نفیس نهج‌البلاغه، راهکارهای رسیدن به تعامل برتر را شناخته و کمی درباره‌ی آن‌ها صحبت کنیم. در نوشتار زیر سعی کرده‌ایم با شرح چند حکمت از نهج‌البلاغه به این مراد دست یابیم.



در باب خبر واحد

احمد یوسفی
کارشناسی ارشد فلسفه و کلام
اسلامی - ورودی ۹۸

یکی از مباحث مهمی که در مباحث حدیثی، اصولی و فقهی مطرح است، مسأله‌ی خبر واحد و حجیت آن است. این موضوع از دیرباز میان علماء محل بحث بوده است. در این نوشتار سعی میشود اهم ادله‌ی گروه‌های مختلف به صورت اجمالی مرور شود.

تعریف خبر واحد

صاحب معالم آن را خبری می‌داند که به حد تواتر نرسیده باشد و فرقی نمی‌کند که سلسله روایان آن زیاد باشد یا کم و خود این روایت مفید علم نباشد.

نکته‌ای که در این تعریف مطرح است این است که خبر واحد در دسته‌ی ظنون قرار می‌گیرد و ظنون به جهت اصل اولی فاقد اعتبار شرعی است و از همین جهت است که خبر واحد فی نفسه دارای اعتبار نیست و باید که شرع به آن اعتبار ببخشد. نکته‌ی دیگر منبعث از همین بحث این است که خبر واحد تا به حد تواتر نرسیده باشد، مفید علم نیست و کثرت و قلت روایان تاثیری در آن ندارد.

ادله منکرین حجیت خبر واحد

فاضل تونی در «الوافیه»، انکار حجیت خبر واحد را به اکثر علمای قبل از علامه حلی همچون سید مرتضی، ابن زهره، ابن براج و ابن ادریس نسبت می‌دهد و این ادعا را مطرح می‌کند که قبل از علامه کسی به صراحت قائل به حجیت خبر واحد نبوده است.

اولین دلیل منکرین استفاده از آیاتی است که به صورت صریح عمل به غیر علم را نهی میکند. در این آیات از اینکه تکیه به غیر علم شود نهی شده است و پاسخی که به آن داده‌اند این است که مراد از علم در این آیات جزم است نه غیر آن؛

دیگر اینکه این آیات دلالتی بر عدم حجیت مطلق ظنون ندارد چه رسد به خبر واحد.

دلیل دیگر استناد به اخباری است که در آن از عمل به اخبار معلوم‌الصدور یا اخباری که مخالف قرآن و سنت قطعی باشد، نهی شده است.

در پاسخ به این‌ها هم بیان شده است که اولاً خود این اخبار مورد استناد، آحاد هستند و نمی‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند. ثانیاً این بحث محل اجماع است که اخبار مخالف قرآن را باید کنار گذاشت و بحث حجیت خبر واحد خارج از این موضوع است.

ادله موافقین

موافقین حجیت خبر واحد مهم‌ترین دلیل قرآنی که به آن استدلال می‌کنند، آیه‌ی نباء در سوره حجرات است و وجه استدلال با از طریق مفهوم شرط است که آیه بیان داشته اگر فاسق خبر آورد تبیین واجب است پس اگر فاسق نبود، تبیین واجب نیست و یا از طریق مفهوم

وصف است که آیه بیان می‌کند اگر عادل خبر آورد تبیین واجب نیست.

شیخ انصاری بر هر دو طریق استدلال اشکالات زیادی را مطرح کرده است؛ از جمله این که وصف مفهوم ندارد تا ازین طریق بخواهیم به آیه استشهاد کنیم و همچنین اگر هم مفهوم شرط را بخواهیم در نظر داشته باشیم، جمله‌ی شرطیه در اینجا برای بیان تحقق موضوع است.

چنین جمله شرطیه‌ای مفهوم ندارد که بخواهد به آن استناد شود. اما مهم‌ترین دلیلی که بر حجیت خبر واحد بدان استناد می‌شود، سیره‌ی عقلا است و به تعبیری شاید نشود به هیچ دلیل دیگری غیر از سیره‌ی عقلا استناد کرد. بدین صورت که این امر متعارف میان عقلا بوده است که بدین گونه به اخبار آحاد عمل می‌کردند. هرچند در بحث سیره‌ی عقلا محل آرای مختلفی است که خود سیره‌ی عقلا محدودده حجیت آن چقدر است و فی نفسه خودش حجیت دارد یا خیر که از آن صرف نظر می‌کنیم.

همچون شهید صدر آشنا می شوید. با این بعد از زندگی ایشان که در مواقع مختلف زندگی چگونه بوده و این برای ما ملموس تر است.

و اینک قسمتی از متن کتاب: «محمدباقر داشت از پنجره بیرون را نگاه می کرد. با عجله پله ها را پایین رفت و به حاج عباس گفت که برای سربازها آب ببرد. «حسابی عرق کرده اند.» شیخ با تعجب پرسید: «برای اینها؟ اینها کودکان شما را می ترسانند و مارا زندانی کرده اند.» محمدباقر نگاهی کرد و جواب داد: «ما مسلمانیم. این ها گناهی ندارند، درست تربیت نشده اند. شاید خدا هدایت شان کرد. دل ما باید برای این ها هم جا داشته باشد.»

در پایان امیدوارم در مورد خواهر ایشان شهیده بزرگوار بنت الهدی صدر هم این چنین کارهایی انجام شود و طرح زندگی ایشان مغفول نماند.

کتاب نا تالیف مریم برادران انتشارات پژوهشگاه تخصصی شهید صدر

آن است که مخاطب عام فارغ از اینکه در فضای علمی باشد یا نباشد، می تواند با این کتاب ارتباط برقرار کند.

کتاب با یک مقدمه از چرایی نوشتن این کتاب آغاز شده است و سپس زندگی شهید صدر را به صورت سال نگاشت به همراه شجره نامه ای ایشان در یک نمای کلی به مخاطب ارائه می دهد. بعد از آن در ۱۶ بخش به روایت زندگی ایشان از ابتدا تا لحظه ای شهادت می پردازد. این روایت خسته کننده نیست یعنی شما به عنوان مخاطب همراه با کتاب خود را در کنار لحظات مختلف زندگی شهید صدر می بینید و آن شرایط را حس می کنید و در عین حال متوجه می شوید که ایشان چگونه به فعالیت های مختلف علمی، اجتماعی و سیاسی پرداخته است. هم با فعالیت های او آشنا می شوید و هم با سختی هایی که داشته و همچنین ویژگی های شهید را درک می کنید. از نظر من همین بخش آخر یعنی ویژگی های شهید جزو مهم ترین کارهای نویسنده است. یعنی شما با زندگی شخصیتی

صَدْرُنا

احمد یوسفی
کارشناسی ارشد فلسفه و
کلام اسلامی - ورودی ۹۸



معرفی کتاب «نا»

سال ۹۱ بود و به توصیه استاد، با شهید صدر آشنا شدم و تا امروز همیشه از آثار ایشان استفاده می کنم. استاد ما تعبیری داشتند و آن این بود: «ما علمای بزرگ زیادی داشته ایم که تاثیرات زیادی داشته اند ولی شهید صدر جزو نوابغ محسوب می شود.»

ولی مقدار آشنایی ما به این نابغه چقدر است؟ سوای بحث های علمی و خارج از حلقه های علمی، به صورت عمومی شهید صدر چقدر معرفی شده است؟ این یک سوال جدی است!

کتابی بود قبل تر تحت عنوان «شهید الامه و شاهدها» که درباره ی زندگی شهید صدر نوشته شده بود. این کتاب به تازگی تحت عنوان شرح صدر ترجمه شده است؛ ولی این کتاب هم بیشتر شبیه زندگی نامه هایی است که مخاطب آن باید کمی خاص تر باشد تا با آن ارتباط بگیرد و این یک ظلم است که ما می کنیم! ظلم به خودمان! ظلم از این جهت که خودمان را محروم کرده ایم از شناختن یک نابغه که می تواند الگوی خوبی هم باشد.

تا اینکه شنیدم یک کتاب بر اساس زندگی شهید صدر با عنوان «نا» چاپ شده است، مشتاقانه شروع کردم به خواندن آن و بعد از مطالعه ای این کتاب با خودم نجوا کردم که اگر چه خیلی دیر، اما جلوی ضرر را هر وقت بگیرم، منفعت است.

این کتاب یک داستان روان و ساده از زندگی شهید صدر است. خواندنش به نظرم واجب باشد بر همه؛ از جهت آشنایی با شخصیتی که بعد از چهل سال از شهادتش هنوز مغفول است و مجهول. زندگی ای طولانی نداشته ولی همان مدت کوتاه پر درس بوده است.

مهم ترین خصوصیتی که برای کتاب «نا» می توان بیان کرد شکل داستان گونه ی

این است که «آیا آنچه من از برادرم شنیدم، دلیل دیگری - غیر از احتمال بدی که داده ام - می تواند داشته باشد؟» اگر پاسخ تو به این سوال مثبت است، پس درنگ نکن و گفتار برادر مومن را بر آن حمل کن و خاطرت را نسبت به برادرت آسوده کن؛ به همین راحتی و به همین سادگی. رفاقت و دوستی، گنجی است که نباید آن را به هر بهانه ای از دست داد یا آن را به خطر انداخت. آبروی مومن، گوهری است که نباید بی دلیل آن را غبار آلود کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «ان المومن اذا اتهم اخاه مومن انما الايمان من قلبه کانمياث الملح فی الماء» وقتی مومنی برادر مومنش را متهم کند، ایمان در قلب او از بین می رود؛ همچنان که نمک در آب حل می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «لا تظنن بکلمته خرجت من احد سوء او انت تجد لها فی الخیر» به سخنی که از کسی صادر شده، تا زمانی که محمل خوبی برای آن می یابی بد گمان مشو. شاخه ساران

نرم خویی و خوش برخوردی یکی دیگر از راهکارهای تعامل برتر در زندگی علوی است. نرم خویی دل سنگ را آب می کند؛ نمونه اش صاحب خلق عظیم - حضرت محمد صلوات الله علیه - است که با نرم خویی اش قلب سخت تر از سنگ عرب جاهلی را چنان نرم کرد که نزاع های قبیله ای را کنار گذاشتند و نسبت به یکدیگر مهر و محبت نشان دادند. خدا به پیامبرش فرمود: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظا لقلب لانفقاوا من حولك»؛ پس به برکت رحمت الهی بر آنان نرم خو شدی و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند. هر کس طبیعتش نرم و کسی را با رفتار خود اذیت نکند و آزار دیگری را به بدی پاسخ ندهد، یار و انصارش زیاد می شود و محبت مردم را جلب می کند و دل ها را به خود معطوف می نماید. امیر مومنان می فرماید: «من لان عده كثفت اغصانه»؛ کسی که نهال وجودش نرم و لطیف باشد (نرم خو باشد)، شاخه هایش (دوستان و یارانش) فراوان می شود.

نرم خویی و خوش برخوردی یکی دیگر

و بردباری وزیر و رفق و مدارا با مردم است.

تجبت برتر

یکی از راه کارهای تعامل برتر و معاشرت نیکو با مردم این است که در سلام گفتن با دیگران پیشی بگیرد و اگر سلامی گفتند به تر از آن را پاسخ گویند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «اذا حییت بتحیته فحی باحسن منها»؛ هر گاه درودی به تو گفته شود به درودی بهتر پاسخ بده.

برای مثال اگر کسی به شما گفت: «سلام علیکم» شما به او بگویید: «علیکم السلام و رحمة الله» این کار شما نشانه ی محبت تان به مخاطب و موجب تحکیم روابط اجتماعی خواهد بود و این از اساسی ترین راه کارهای ایجاد انس و الفت در اجتماع است. شخصی که در یک سلام بر خود واجب می داند به تر از برادر سلام کننده ی خود جواب بدهد هرگز زبانش به تهمت، غیبت و ... آلوده نخواهد شد و بسیاری از روابط دیگر نیز در سایه ی این ابراز محبت و انتشار دوستی اصلاح خواهد شد. بیهوده نیست که پیامبر صلوات الله علیه و معصومان علیهم السلام حساسیت ویژه ای بر سلام کردن داشتند؛ تا آنجا که پیامبر اکرم صلوات الله علیه فرمودند: «اولی الناس بالله و برسوله من بدا بالسلام»؛ نزدیک ترین مردم به خدا و رسول خدا کسی است که در سلام کردن پیشی بگیرد. همچنین فرمودند: «بخل الناس من بخل بالسلام»؛ بخیل ترین مردم کسی است که در سلام کردن به مردم بخل ورزد.

حسن ظن در دوستی

سوء ظن داشتن نسبت به برادر دینی خود، از آسیب های جدی روابط اجتماعی و از موانع مهم معاشرت برتر است؛ خیلی وقت ها، یک گمان بد باعث تیرگی روابط خانواده یا به هم ریختن آرامش چند خانواده می شود. برون رفت از این مشکل با پاسخ به دو سوال مشخص می گردد: «آیا یقین دارم؟» سوالی است که در مواجهه با هر احتمال و گمان باید از خود پرسیم. از روی احتمال و گمان نمی توان حکمی علیه کسی صادر کرد!

سوال دومی که باید از خود پرسیم



گذری بر گزیده‌های از اشعار آیینی - مذهبی محتشم کاشانی



شقایق پاکی پودنک
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی -
ورودی ۹۷

محتشم کاشانی، شاعر فارسی‌سرای عصر صفوی است که مذهب تشیع را برگزید. وی با بهره‌گیری از قرآن کریم توانست ارزش و اعتبار شعر خویش را چند برابر نماید. محتشم علاوه بر اینکه از واژگان و اصطلاحات قرآنی بهره جسته، به داستان‌های قرآنی نیز در اشعار خود تلمیح داشته است.

او همچنین به دلیل برگزیدن مذهب تشیع و ارادت به ائمه اطهار، اشعار بسیاری در وصف این بزرگان داشته است که سعی شده در این نوشتار گزیده‌ای از آن را عنوان کنیم.

امام علی علیه‌السلام: در تاریخ از آغاز تا اکنون، مدایح و مراثی بسیاری به صورت شعر و نثر با زبان و لهجه‌های گوناگون در وصف و منزلت امام علی علیه‌السلام سروده شده است که بیش از هر چیز بیان‌گر علاقه‌ی مردم به شخصیت بی‌نظیر ایشان می‌باشد. محتشم کاشانی به عنوان شاعری آیینی - مذهبی و با توجه به عرصه‌ی محدود کلام در شعر به تبیین شخصیت امام علی علیه‌السلام پرداخته است. در بیت زیر شاعر با استفاده از صنعت تلمیح به واقعه‌ی کندن در خیبر با دست ایشان اشاره نموده است: **ید مؤید حیدر علی عالی قدر** / **کننده در خیبر کننده در هیجا**

امام حسین علیه‌السلام: امام حسین علیه‌السلام سرور و سالار شهیدان و همچنین اسوه و نمونه‌ی والای شجاعت است که با شهادت خویش باعث زنده نگه داشتن دین اسلام در میان جهل و خرافات حاکم در دستگاه اموی شده است که باعث سرودن اشعاری در این باره از جانب شاعران شیعه و شاعران دیگر مذاهب شده است.

محتشم از سیراب بودن تمامی کائنات و جهان و تشنگی امام حسین علیه‌السلام سخن می‌گوید. اعرافی که محتشم در میزان تشنگی یاران امام حسین علیه‌السلام در شعر خود به کار برده است نشان دهنده‌ی اوج اندوه و ناراحتی شاعر از این واقعه و رویداد دردناک است.

محتشم در وصف این امام، غم‌انگیزترین و تاثیرگذارترین مراثی را سروده است. در ابیات زیر، شاعر در اهتمام ترکیب‌های واژگانی مناسب، فضایی غم‌انگیز را به تصویر کشیده است و محتشم در خلال ابیات به سینه‌ی پرده‌اش امام نیز اشاره داشته است: **این بیابان قتل‌گاه سید لب تشنه است** / **ای زبان وقت فغان وی دیده هنگام** / **بکاست** / **کشتی عمر حسین این‌جا به زاری گشته** / **غرق** / **بحر اشک ما درین غرقاب بی‌طوفان** / **چراست**

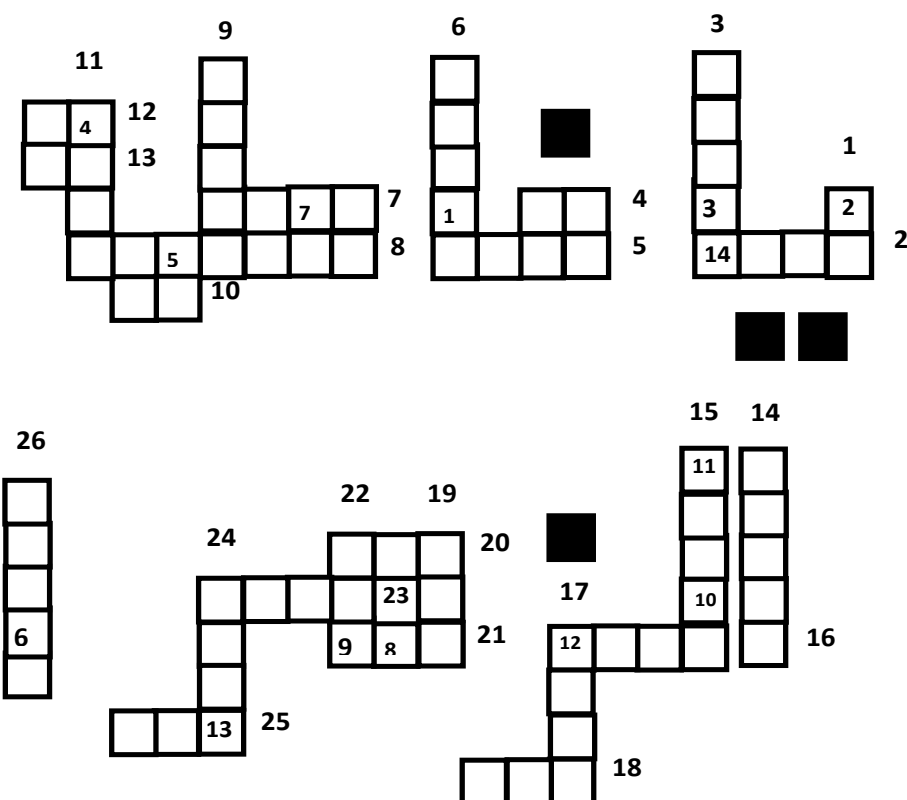


امام رضا علیه‌السلام: امام رضا علیه‌السلام در آغاز قرن سوم هجری، سرزمین ایران را با قدم‌های مبارک خود متبرک ساختند و زمان اندکی وجود آن حضرت والا مقام مهمان خراسان بود و پس از شهادت ایشان جسم ایشان در زیر خاک و عشقش در دل مردم جای گرفت. امام رضا علیه‌السلام جایگاه خاص و ویژه‌ای در میان شاعران شیعی دارند. می‌توان گفت که شاعران شیعه و اهل سنت از ایشان به زبان تکریم و احترام سخن گفته‌اند و مرتبه‌های فضیلت و شکوه ایشان را با زبان شعر سروده‌اند. محتشم در ابیاتی در وصف ایشان، امام را آفتابی توصیف کرده است که سروران آستان‌بوس ایشان هستند: **آفتاب بی‌زوال آسمان داد و دین** / **نوربخش هفتمین اختر، امام هشتمین** / **آنکه ساینند از برای رخصت طوف درش** / **سروران بر خاک پای حاجبان او جبین**

علیرضا محمدزاده
کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی سازمانی - ورودی ۹۸
دانشگاه شاهد تهران



امام علی علیه‌السلام: **اللسانُ سبیحٌ، إن خَلَى عَنْهُ عَقْرٌ؛** زبان تربیت نشده، درنده‌ای است که اگر رهایش کنی می‌گزد. (نهج البلاغه، حکمت 60)



- 1- واحد شمارش سطح
- 2- به معنی انار (انعام 99)
- 3- هدف
- 4- فعل امر گفتن (فلق 1)
- 5- سوره‌ای که در شان حضرت زهرا (س) نازل گردیده است؟
- 6- یکی از آیاتی که در شان حضرت فاطمه (س) نازل شده است؟
- 7- متضاد تنبل
- 8- از معروف ترین کنیه های حضرت صدیقه کبری (س)
- 9- در قرآن به معنای ستارگان (صافات 6)
- 10- کسی که یک کار خوب انجام میدهد ... برابر آن مزد می‌گیرد. (انعام 160)
- 11- به معنای فراهم
- 12- کشیدن صدا در قرآن
- 13- تکرارشان نام پرنده‌ای است در قرآن
- 14- نام مادر حضرت زهرا (س)
- 15- تمام شده
- 16- نام جدید شهر هگمتانه
- 17- پنبه زن
- 18- کنیز حضرت فاطمه (س)
- 19- کرانه آسمان
- 20- هزار
- 21- نام یکی از سوره های قرآن
- 22- شعور
- 23- نام همسر حضرت ابراهیم علیه السلام
- 24- داستان سرا
- 25- گل نا امید
- 26- به معنای زن پاک

توجه: هر یک از اعدادی که داخل بعضی از خانه های جدول قرار دارد، نماینده یک حرف می باشد؛ با تکمیل صحیح جدول و قرار دادن هر یک حروف داخل پراکنش ذیل با توجه به شماره آن رمز جدول بدست می آید، که آن را به علاوه شماره دانشجویی خود نوشته و به آیدی تلگرام @tahereh_s_b ارسال کنید. به کسانی که رمز جدول را به صورت صحیح ارسال کنند به قید قرعه هدیه ای نقدی تقدیم خواهد شد در پناه قرآن باشید.

رمز جدول: **2،1**

14،13،12،11،10،9،8،7،6،5،4،3

«بانوی بهشت» علیه بانوی بهشت

مجید نجفی

کارشناسی ارشد ادیان و

عرفان تطبیقی - ورودی ۹۸



از همان تیزر فیلم می‌توان فهمید که این بار یاسر الحیب چه گلی به سر شیعه‌ی انگلیسی ریخته است! این بار نام «بانوی بهشت» را بر سر نیزه‌ها برده‌اند تا بدون حکمیت، سر شیعه را بر نیزه ببرند!

برائت از دشمنان اهل بیت جزو ضروریات شیعه است پس ماجرا، حکایت ترس نیست؛ بلکه حکایت ادعای عده‌ای برای مقابله با محبین اهل بیت و شیعه است که حال با ابزار هنر و با قدرت تمام علیه شیعه و مادرش، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها قد علم کرده است. «بانوی بهشت» آن‌ها، از داعش و جنایت‌هایش می‌گوید و بعد آن را به ماجرای ۱۴۰۰ سال پیش و سوختن خانه‌ی مادر بر می‌گرداند و عاملان آتش را همین داعشیان امروز می‌داند و نتیجه می‌گیرد که پیروان آنها نمی‌توانند محبت اهل بیت را بر دل‌شان داشته باشند و برعکس دشمن اهل بیت تربیت می‌کنند!

یاسر الحیب مدعی است که این فیلم

را برای مظلومیت حضرت زهرا سلام الله علیها ساخته‌اند. سخن زیبای امیرالمومنین علیه‌السلام پاسخ مناسبی برای ادعای این جماعت است: «کلمه حقی است که از آن اراده‌ای باطل دارند، از ابتدای ساخت این فیلم یعنی از سال ۹۵ که نام «یوم العذاب» بر آن گذاشته شده بود، هدفش مشخص بود و همان موقع هم واکنش قاطع علمای شیعه را در پی داشت اما انتشار تیزر این فیلم نشان داد که یاسر الحیب و سازمان «خدا المهدی» در طی این سال‌ها بی‌کار نبوده‌اند.

داعش، غدیر، حمله به خانه‌ی حضرت زهرا سلام الله علیها و شهادت ایشان، محور اصلی این فیلم است که با مرکزیت ماجرای کودکی عراقی است که مادرش را در خلال حمله و جنایات داعش از دست می‌دهد. در همین حین از طریق یک بانوی سال‌مند شیعه با داستان حضرت زهرا سلام الله علیها آشنا می‌شود و اهمیت صبر را می‌آموزد.

ماجرا در ظاهر تنها همین است اما در باطن خود بقدری پلید و تفرقه‌افکنانه است که علمای جبل عامل هم آن را تقبیح کردند و اقدام یاسر الحیب را با حمایت سازمان‌های اطلاعاتی انگلستان همراه دانستند و هدف از ساختن آن را ایجاد اختلاف بین مسلمانان برشمردند.

از حواشی این فیلم که نشان دادن چهره‌ی مبارک رسول خدا صلوات الله علیه و نیم‌رخ حضرت امیر علیه‌السلام است اگر بگذریم، از پیام نابودگرانه‌ی آن علیه شیعه و اسلام نمی‌توان گذشت. این فیلم اگر با تقبیح و



مقابله‌ی علما و عموم مسلمانان جهان روبرو نشود، زمینه‌های تفرقه و دشمنی در بین مسلمانان را بیش از پیش فراهم می‌کند. از آن سو هم لازم است که سینماپردازان و فیلم‌سازان با تغییر رویکرد خود نگاهی نو به مفاهیم و وقایع صدر اسلام داشته باشند و تاریخ را با نگاه واقعی اما بدور از توهین و تفرقه به مقدسات دیگران، بازنمایی کنند و وقایع را بازگو کنند. اگر این اتفاق صورت نگیرد، امثال یاسر الحیب جلو آمده و کار را به دست می‌گیرند.

امروز بزرگ‌ترین راه موفقیت علیه ظلم جهانی مستکبران عالم، اتحاد مسلمانان است لذا لازم است با تفرقه‌افکنانی که به نام شیعه و سنی علیه شیعه و سنی تفرقه می‌کنند، با جدیت مبارزه نمود.

فصلنامه کانون قرآن و عترت دانشگاه فردوسی

مشهد

شماره ۱ - اسفند ۹۹

شماره مجوز: ۹۹۱۷۲۷

مدیر مسئول: طاهره سادات بهره مند

سرمدیر: طاهره سادات بهره مند

ویراستار: طاهره سادات بهره مند

مدیریت هنری: عطیه صادقی

هیئت تحریریه: سعید علمی، زینب سرخ آبادی،

احمد یوسفی، مجید نجفی، زینب نوری، مهدی

اهرون رضائی، امیرعلی وطن دوست، علی‌رضا

محمدزاده، رضا حسین پور، زهرا وزینی راغب، الهه

آرامی، حمیدرضا ایروانی، سجاد هرویانی، افسانه

جوان، رویا فضائی، فرزانه محمدپور، یگانه افکار،

طاهره سادات بهره مند، شقایق پاکی پودنک

با سپاس فراوان از همکاری خالصانه و مستمر استاد

عزیز ابوالحسن حسین زاده

کنجینه
نقلین